

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
وینسه، ۲۵ اگست ۲۰۰۹

مور این کشور به تعظیم سلیمان برنخاست!!!

قسمی که پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" از ماهها پیش به اطلاع رسانیده بود، به تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۰۹، محفلی در شهر اسن المان برپا گردید. این محفل با شکوه از یک طرف نودمین سالگرد پر میمنت استرداد استقلال را گرامی و بزرگ میداشت، و از طرف دیگر اولین سالروز تأسیس پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را. راجع به نکات دیگر این برگزاری حتماً دوستان دیگر و گزارشگران ارجمند پورتال چیزهائی تقدیم خواهند کرد. من ضمن این مختصر فقط بر شعارهائی که از در و دیوار سالون برگزاری جلوه میفروختند، اندک تبصره میکنم.

سالون محفل با عکسهای اعلیحضرت غازی امان الله خان و ملکه ثریا مزین گردیده و شش شعار جالب آتی به خط جلی، دوگان دوگان در تالو بودند:

در جهان یک نعمت وجود دارد و آن هم آزادیست

افغانستان گورستان امپراتوری ها

استقلال جزء سرشت افغانهاست

سه قرن، سه تجاوز، سه شکست

افغانستان علمبردار استقلال

مور این کشور به تعظیم سلیمان برنخاست

در جهان یک نعمت وجود دارد و آن هم آزادیست:

این شعار میرساند که در نزد آزادگان و افغانان آزادی پرست، از نعمت "آزادی" بالاتر نعمتی وجود ندارد. طنطنه و هیمنه این نعمت آنقدر باشکوه است، که هر نعمت دیگر در برابرش کم ارزش و حقیر جلوه میکند. و من نمیدانم، که اگر آزادی نباشد، آیا زندگی و زندگانی کدام ارزش و مفهومی دارد؟؟؟ و چه بهتر که قضاوت را به خود افغانان دلباخته آزادی بگذاریم.

افغانستان گورستان امپراتوری ها:

این شعار بلند بالا را که مترتب بر واقعیت های تاریخیست، بیگانگان باختزمین به "افغانان" و سرزمین ایشان اعطاء کرده اند. چون این شعار را دیگران در مورد ما ساخته و به جهان اهداء کرده اند، نیازی برای توجیهش هم نمی بینم. این شعار مگر در درجه اول مؤدی روحیه مردم مغرور، سلاحشور و تسلیم ناپذیر این مرز و بوم، است؛ روحیه ای که این خاک را صلابتی داده استثنائی و در جهان کمتر مردمی را می یابیم، که تا این حد به آزادی و وطن خود عشق ورزند و هر دو را بپرستند.

استقلال جزء سرشت افغانهاست:

این شعار روحیه استقلال طلب و تسلیم نپذیر مردم این آب و خاک را تمثیل میکند. همان قسمی که گوشت از ناخن جدائی ندارد و نور از آفتاب و شیرینی از شکر؛ به همان قسم "استقلال" جزء فطرت و کنه و ذات افغانان گشته است و اگر این ودیعه خداوندی در افغانی سراغ نگیرد، او دیگر "افغان" نیست!!!! این به چه مفهوم است. این بدین مفهوم است، که افغانان بدون "آزادی" و "استقلال" اصلاً زنده بوده نمیتوانند؛ همان قسمی که اگر "شیرینی" را از "شکر" و "نور" را از "خورشید" بگیری، دیگر نه "شکر" شکر است و نه "خورشید" خورشید.

سه قرن، سه تجاوز، سه شکست:

این شعار نیز روحیه آزادمندی و فداکاری افغانان را در دفاع از آزادی و وطن تمثیل میکند. آری قرن نهم و بیستم و اینک قرن بیست و یکم. و ما به حیث افغان، به حکم وجدان و به حکم تاریخ خود میدانیم، که:

همان گونه که استعمارگران انگریز در قرن نهم و بیستم و استعمار روس در قرن بیستم درین مملکت کوفته شده و با حالت ابتر مجبور به ترک آن گردیدند، به یقین و هر آئینه که اشغالگران ناتو به سرکردگی اتازونی و انگریز نیز راه دگری ندارند، مگر اینکه پشت سر خود را خاریده و "دو تا کنند".

افغانستان علمبردار استقلال:

درین مورد مقاله مستقلی زیر عنوان « افغانستان، پرچمدار و علمبردار استقلال » تقدیم کردم که در صفحه ۱۸ آگست ۲۰۰۹، به تقریب نودمین سالروز استرداد استقلال افغانستان، مجال نشر یافت. خوانندگان عزیز میتوانند آنرا در آرشیف در پورتال AA-AA مطالعه فرمایند. در گوشه ای از آن مقاله چنین آمده است :

« ... می بینیم، که افغانستان عزیز در ظرف یک قرن، دوبار طلایه دار "استقلال" گردید و مشعل آزادی را در آسیا و اروپا و اقضا نقاط و کران تا کران گیتی بر افروخت. اگر ابتدای قرن بیست، که مقارن با استرداد استقلال افغانستان است، بر اثر رشادت دلاوران سر بکف افغان، زلزله ای در امپراتوری انگریز افتید. در آخر همین قرن، کاخ ستم شوری و قلمرو شیطانی آن از هم فرو ریخت. از همین جا به جرأت میتوان گفت، که :

افغانستان عزیز و سرافراز، حتی در زمانه خود ما و در روزگار حیات نسل موجود نیز، "مشعل افروز" و "پرچمدار" و "پیشقراول" استقلال در جهان تحت ستم استعمار گردیده است....»

مور این کشور به تعظیم سلیمان برنخاست:

معروف است که سلیمان پیغمبر زبان همه جانوران را میدانست و بر همه ایشان حکم میراند و پادشاه و زمامدار مطلق العنان ایشان بود. و هم معروف است که "مورچه" خاکسار ترین جاندار روی زمین است و از مورچه خاکسار تر پیدا نمیشود. شاعر در مصراع بالا علو همت و مناعت ذات و طبیعت مردم این سرزمین را نشان داده و میگوید، که حتی مورچه این آب و خاک هم دم راه حضرت سلیمان بر نمی خیزد و باصطلاح سر سلیمان پیغمبر رأی نمیزند. مراد از "تعظیم" همانا "سر خم کردن" است و "مورچه" این کشور سر خود را حتی پیش "سلیمان" هم خم نمیکند.